

بسیاری از دست اندرکاران ادبیات داستانی و منتقدان تراز اول ادبی، بر این باورند که مهم‌ترین رمان قرن بیستم، رمان اولیس یا پولیسس اثر جیمز جویس نویسنده ایرلندی است، براساس این معیار ادبی که در قرن گذشته چه رمانی توانسته است به دانش و معرفت ما از وضع و شرایط انسانی و نیز به هنر رمان‌نویسی چیزی بیفزاید. رمان اولیس بیشتر برای ابداعات انقلابی و به کار گرفتن شگردهای تازه داستان‌نویسی و از جمله تک‌گویی‌های درونی و استفاده از تمثیل‌ها و نمادهای برگرفته از اسطوره‌ها و تاریخ و ادبیات، بزرگ‌ترین یا مهم‌ترین رمان قرن بیستم شناخته شده و نویسنده‌اش نیز به لحاظ توصیف دقیق و موشکافانه جزئیات زندگی مردم و نفوذ در اعماق روح قهرمانان و بررسی‌های روانشناختی و طنزگزننده به شهرت جهانی رسیده است.

رمان اولیس ظاهراً در نوع خود یگانه و کامل بوده و برای آن از رقیب معتبر دیگری در دنیای انگلیسی زبان (انگلیس، امریکا، کانادا، استرالیا، زلاندنو، افریقای جنوبی...) نامی برده نمی‌شود اما در دنیای فرانسوی زبان، از رمان در جستجوی زمان از دست رفته اثر مارسل پروست نیز به صورت یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی جهان در قرن بیستم نام می‌برند.

مارسل پروست در این اثر مسئله «زمان» را مطرح می‌کند. «زمان» انگار همیشه

واقعیتی حی و حاضر در خاطره راوی است که بی توجه به تسلسل وقایع و نیز بی توجه به زمان مکانیکی منقوش بر صفحه ساعت، پس و پیش می شود. پروست میراث تجربه های تلخ و شیرینش را از میان گذشته های شخصی خود بیرون می کشد و آن ها را برای مدت زمان کوتاهی به زمان حال برمی گرداند و پیش از آن که دوباره به اعماق خاطره برگردند، آن ها را به روی کاغذ منتقل می کند و فرآیند زنده کردن واقعیت های گمشده و «از دست رفته» را هنرمندانه می نمایاند، اثری اصیل و مبتکرانه که صحنه های بسیار روشنی از یک جامعه رو به زوال را با زبانی نرم و سیال به خواننده ارائه می دهد. پروست نیز همانند جویس به این نتیجه رسیده است که اگر بخواهیم پیچ و تاب های ذهن و جریان سیال اندیشه را به درستی درک کنیم باید که از استعاره و نماد و تصویر یعنی از زبان شعر مدد بگیریم و از این روست که هم جویس و هم پروست را که می کوشیدند فضا و حال و هوای ذهن آدمی را باز آفرینند، مهم ترین رمان نویسان قرن بیستم می نامند. اما در دنیای فرانسوی زبان، رمان در جستجوی زمان از دست رفته و نویسنده آن مارسل پروست یگانه و بی رقیب نبودند و رمان های برجسته دیگری هم بوده که با این رمان برابری کند یا در فاصله نزدیک با آن در یک ردیف قرار گیرد.

یکی از این رمان ها شاید رمان سفر به انتهای شب اثر لویی فردینان سلین - Louis Ferdinand Céline باشد، نویسنده ای که به لحاظ زبان بی پرده و پرخاش ها و دشنام های مردم ستیزانه و نیز دیدگاه بدبینانه اش که دنیا محل زندگی آدم های شرور و فاسد و دیوانه است شهرتی جهانی دارد. رمان دیگر این نویسنده به نام مرگ قسطی نیز به همین اندازه از شهرت و اعتبار بهره مند است.

سلین پزشکی بود که عقیده داشت «آدمیزاد اصلاً پست است» و «ادبیات توانسته همه شرارت های نهاد بشری را به درستی بکاود و نشان دهد». از این رو خود به کار نویسندگی پرداخت و با زبان تازه و پرخاشگرانه ای که تا آن زمان در زبان فرانسوی سابقه نداشت آثار جنجال برانگیز تأثیرگذاری خلق کرد. او نخست به کمونیسم گرایش یافت و پس از سفری به شوروی که شرح آن را در کتاب گناه من (۱۹۳۷) آورده است از آن روی برگرداند. آنگاه به فاشیسم متمایل شد و عقاید تند و خشن ضد یهودی اش را در کتاب هیچ و پوچ برای یک کشتار (۱۹۳۷) انتشار داد. انتقاد تلخ و گزنده اش از جامعه «فاسد» فرانسه در کتاب مدرسه جنازه ها (۱۹۳۸) نیز جنجالی برانگیخت. از آن پس بود که طردش کردند و طی جنگ جهانی اول، برای خدمت نظام وظیفه پذیرفتندش و به ناگزیر در پاریس به کار طبابت پرداخت و نسبت به هیتلر عقاید ضد و نقیضی پیدا کرد؛ هم او را

می ستود و هم می نکوهید. بعد از نوشتن کتاب گروه خیمه شب بازی (۱۹۴۴) که شرح تجربه های زندگی او در دنیای زیرزمینی لندن در جنگ جهانی اول است به آلمان رفت و از آنجا به دانمارک گریخت و یک سال و اندی در آنجا زندانی شد.

تا پیش از سال ۱۹۵۱ که از اتهام همکاری با آلمان نازی تبرئه شد، اجازه ورود به پاریس نیافت. در این ایام به پاریس رفت و تا آخر عمر سرگرم نوشتن و طبابت شد. از آخرین آثار مهم او کتاب های قصر به قصر (۱۹۵۷) و شمال است (۱۹۶۰) که در هر دو، دنیای کابوس وار و گروتسک نازیسم را تشریح کرده است.

سلین را نویسنده ای می شناسند که احیاکننده زبان فرانسوی است و با شکستن دیوارهای کهنه زبان فرانسوی و استفاده از نوعی زبان محاوره ای خشن و به کارگیری خصوصیات زبان شفاهی و عامیانه و گاه واژه سازی و عبارت پردازی هنرمندانه و صراحت و رک گویی نامتعارف در برقراری ارتباط با خواننده و بیدار و هشیار کردن او توانسته است در رمان امروز بدعت هایی به وجود بیاورد.

این ویژگی ها در بیش تر آثار او و از جمله در دو رمان مشهورش یعنی سفر به انتهای شب و مرگ قسطی نمود برجسته ای دارد.

رمان سفر به انتهای شب به سال ۱۹۳۲ نوشته شده و دو سال بعد به زبان انگلیسی ترجمه شده است. درونمایه رمان، زندگی آدم ناامید و سرخورده ای است به نام فردینان باردامو که بی هدف در اروپای جنگ زده و تکه پاره شده سرگردان است و از هر طرف که می رود، با وحشت و پلشتی و ویرانی روبه رو می شود و سخت می کوشد از پوسته تنهایی وجود خویش و از ناتوانی اش در کمک به انسان های دیگر به در آید اما در پایان آن چه نصیبش می شود اعمال شیطانی و مرگ است.

رمان به هنگام انتشار به دلیل مضمون ناهنجار و سیاه اندیشی مداوم و بی وقعه و نیز زبانی ناهنجارتر و گاه مستهجن در فرانسه جنجالی برانگیخت. زبان رمان البته زبان روایتگری نیست، تلاشی است اصیل برای بازسازی زبان آرگو پرولتاریایی که وحشت و خصوصیت جنگ را باز می نماید و شدت و بدبینی او هم به این نیت است که خواننده را برانگیزد تا به خود آید و ببیند که در چه وضع فلاکت بار و خیمی زندگی می کند. به قول خودش با زبان ادیبانه نمی توان به این هدف دست یافت. می توان زبان یکدست و هماهنگ او را نوعی پروراندن مبتکرانه یک نثر روایتی بسیار تأثیرگذار دانست.

اظهار نظر معروف لئون تروتسکی درباره سفر به انتهای شب که در این رمان کوچک ترین اثری از «امید» پدیدار نیست و نویسنده به دنیای ادبیات همان طور گام نهاده

که مردم دیگر به درون خانه‌هایشان گام می‌نهند، قدری غیرمنصفانه دانست یا دست‌کم گفت که گفته‌ او همه واقعت نیست زیرا سلین خود گفته است که این کتاب حاصل روزی چهار ساعت نوشتن طی شش سال کار متمادی است. سلین رمانش را در اوقات فراغت پس از طبابت و بیشتر تر شب‌ها و روزهای تعطیل آخر هفته می‌نوشته است، چیزی حدود ۵۰،۰۰۰ صفحه، هر چند روبر دنونل ناشر آثارش فقط ۲۰،۰۰۰ صفحه آن را به یاد می‌آورد. او با سرعت اما با دقت می‌نوشته و کلی کار، حاصل طرح و ساختاری سنجیده و تجدیدنظرها و بازنویسی‌های مربوط به سبک و سیاق خاص خود اوست.

سلین در مورد دلایل نوشتن این رمان به اقتضای فضای سیاسی روز، ملاحظاتی را رعایت کرده و از جمله اصرار ورزیده که تنها دلیل نوشتن رمان، نیاز مالی برای پرداخت اجاره‌خانه یا خرید خانه بوده است. در جایی دیگر در برابر این پرسش که چرا به کار نویسندگی پرداخته پاسخ داده است که «اگر روانپزشک می‌شدم و ضمعم به مراتب بهتر بود.»

هیچ یک از این اظهار نظرها به ظاهر قانع کننده نیست و این فرمایشات، بخشی به این دلیل است که نقش نویسنده را به طور کلی و فعالیت‌های نویسندگی‌اش را بخصوص جدی‌تر جلوه دهد: نیاز به این که در تمام عمر بر واقعیاتی سرپوش بگذارد و به این طریق از خود محافظت کند.

درست است که به قول خبرنگاری «فکر و ذکر پول همیشه بر او مسلط بوده و همچنان مسلط است: یک بیماری واقعی»، اما همیشه دوست داشته تصویری از خود به مثابه نویسنده‌ای سخت فقیر و تهیدست ارائه دهد.

اگر ماجرای نوشتن سفر به انتهای شب تماماً مبهم و گاه همراه با نظریه‌های ضد و نقیض است، ماجرای چاپ و نشر کتاب، از آن روشن‌تر نیست و گاه پیچیده‌تر هم هست. نگارش کتاب در اوایل سال ۱۹۳۲ به پایان رسید و نسخه ماشین شده‌ای از آن آماده شد و سلین نسخه‌هایی از اثر ماشین شده را به دو ناشر کوچک فرستاد که یکی از آنها کتاب را نپذیرفت و دیگری حاضر شد در قبال دریافت ۱۲،۰۰۰ فرانک چاپش کند. یکی از دلایل نپذیرفتن کتاب از سوی ناشران، شکست اثر قبلی او «کلیسا» بود؛ نمایشنامه ناموفقی براساس رمان سفر به انتهای شب.

سلین در ماه دسامبر سال ۱۹۳۱، زمانی که هنوز نسخه کاملی از کتاب آماده نشده بود، به ناشر معروف گالیمار اطلاع داده بود «نوعی رمان نوشته‌ام که نوشتنش چند سال به طول انجامیده است.» گالیمار به او پاسخ می‌دهد که خلاصه‌ای از رمان را برایش

بفرستد و سلین در آوریل سال ۱۹۳۲، هم متن رمان و هم خلاصه آن را برای گالیمار می‌فرستد. در همان زمان هم نسخه دیگری از رمان را در اختیار ناشر تازه‌کاری به نام «دنوتل و استیل» قرار می‌دهد. این دو نفر، یعنی روبر دنوتل فرانسوی و برنارد استیل امریکایی یهودی مقیم فرانسه با مشارکت یکدیگر بنگاه نشری تشکیل می‌دهند. سلین بعدها می‌گوید «من متن رمان را همزمان برای دنوتل و گالیمار فرستادم. هر دو کار را پسندیدند اما دنوتل دو ساعت زودتر از گالیمار پاسخ داد.» حال آن‌که گالیمار در واقع دو سه ماهی وقت صرف خواندن رمان کرده است. به شرحی که در یکی از زندگینامه‌های سلین آمده «در انتشارات گالیمار کمیته‌ای ادبی تشکیل می‌شود که از جمله اعضاء آن، ژان پولن، رامون فرناندز، آندره مارلو، گاستون گالیمار و امانوئل برل بوده‌اند تا کتاب را برای چاپ بررسی کنند. هر چند مارلو و برل که هر دو رمان را پسندیده بودند نظر مساعد می‌دهند، اکثریت اعضاء کمیته کتاب را نمی‌پذیرند و نظر می‌دهند که باید بخش‌هایی از آن حذف شود. سرانجام گالیمار، پس از تأخیر قابل قبول دو ماه و نیمه‌ای چاپ این اثر اول را می‌پذیرد و پیشنهاد می‌کند که با نظر نویسنده بخش‌هایی از کتاب حذف شود. اما در این زمان سلین دیگر با دنوتل و استیل قراردادی به امضا رسانده بوده است. گالیمار البته چیزی حدود ۲۰ سال بعد کتاب دیگری از سلین منتشر می‌کند، تصمیمی که آن را مشابه پذیرفتن کتاب در جستجوی زمان از دست رفته مارسل پروست توسط آندره ژید می‌داند. انتشارات روبر دنوتل و برنارد استیل قبلاً کتاب عامه‌پسندی از یوجین دابی منتشر کرده بود که با موفقیت تجاری بسیار زیادی روبه‌رو شده بود و سلین به احتمال زیاد تحت تأثیر همین موفقیت، این ناشر را برگزیده بود.

با این همه روایت‌های متعددی از این‌که چگونه روبر دنوتل به نسخه‌ای از سفر به انتهای شب دست یافته وجود دارد. سلین خود در دسامبر سال ۱۹۳۲ به پل ویالار گفته است «من نسخه‌ای از کتاب را بی هیچ نام و نشانی از خودم برای او فرستادم.» یکی از دستیاران دنوتل هم ماجرا را این‌گونه تعریف می‌کند. «روزی بانوی ناشناسی به دفتر انتشاراتی آمد و کتاب را تحویل داد، کتابی که دو ناشر دیگر آن را نپذیرفته بودند و گالیمار هم به این شرط حاضر به چاپ و نشر آن شده بود که نویسنده هزینه‌های چاپ آن را تقبل کند.» در اواخر سال ۱۹۷۱، روبر پوله همچنان همین افسانه را تکرار می‌کرد که بانوی نقاشی، نسخه‌ای از کتاب را به دنوتل رسانده است، بانویی که خود نمی‌دانست نویسنده اصلی کتاب کیست؟

در هر حال، دنوتل غروب روزی نسخه ماشین شده‌ای از رمان را در ۹۰۰ صفحه

روی میز کار خود می‌بیند و همان جا می‌نشیند و کتاب را می‌خواند. و روز بعد ماجرا را برای شریک خود برنارد استیل باز می‌گوید و او را قانع می‌کند که هرچه زودتر دست به کار شوند و ترتیبات چاپ کتاب را فراهم کنند و استیل را وامی‌دارد از مادرش در امریکا بخواهد که سرمایه لازم را برایش بفرستد. تنها کاری که باقی می‌ماند این است که نویسنده را پیدا کنند. ضمیمه نسخه ماشین شده کتاب، رمان کوتاه دیگری بوده از یک نویسنده زن که در مون مارتر شماره ۹۸ خیابان لیبک زندگی می‌کرده است. یکی از کارکنان دنوئل با مراجعه به این نشانی درمی‌یابد که نویسنده کتاب، پزشک ناشناسی است که در طبقه پائین آپارتمان زندگی می‌کند. وقتی دنوئل نشانی نویسنده را به دست می‌آورد خود یک راست به خیابان لیبک می‌رود اما به او می‌گویند که نویسنده در خانه نیست و بعد سراغ مطب را می‌گیرد و به مطب که می‌رسد، همان جا متن قراردادی را به امضاء او می‌رساند و چند ساعت پیش از اعلام موافقت گالیمار، کار را فیصله می‌دهد.

سلین قرارداد را با دنوئل و استیل روز ۳ ژوئن ۱۹۳۲ با تعیین تاریخ مشخص برای انتشار کتاب در ماه اکتبر امضا می‌کند. شرایط قرارداد استاندارد بوده است: تا پیش از فروش ۴۰۰۰ نسخه اول کتاب، پولی به نویسنده پرداخت نمی‌شود، برای فروش ۱۰۰۰ نسخه بعدی ۱۰ درصد و برای ۵۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ نسخه بعدی ۱۲ درصد و برای ۱۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ نسخه بعدی ۱۵ درصد و برای نسخه‌های بالاتر ۱۸ درصد.

سلین وقتی می‌بیند که کار چاپ و نشر کتاب دارد به سرعت پیش می‌رود، دیگر ارتباط چندانی با گالیمار برقرار نمی‌کند. او اکنون نام تازه‌ای پیدا کرده است. نام اصلی او یعنی لویی دتوش به لویی فردینان سلین تغییر یافته است، نامی مستعار برگرفته از نام مادر بزرگش.

سلین خود بر کار چاپ کتاب نظارت می‌کند و هرگاه ویراستاران ناشر درصدد برمی‌آیند که دستی در متن ببرند و سبک کار یا علامت‌گذاری کتاب را تغییر دهند، سخت مانعشان می‌شود و در این باره در جایی می‌نویسد «دارند مجبورم می‌کنند مثل فرانسوا موریاک بنویسم!» و در یادداشتی به دنوئل می‌گوید «پدر محترم، از شما تمنا می‌کنم بدون مشورت با من حتی یک کلمه را تغییر ندهید! می‌ترسم آهنگ نوشته را ضایع کنید.» و درباره طرح روی جلد هم سختگیرانه نظر می‌دهد. «این بازی‌های سوزناک و احساساتی با حروف را کنار بگذارید، فقط یک طرح کلاسیک کافی است... به گمانم ما فقط به یک طرح نسبتاً سنگین و معقول نیاز داریم. رنگ بژ و سیاه یا طوسی و خاکستری شاید و با حروف کاملاً درشت حتماً همین.»

توجه به این نکات ریز بعدها در زندگی ادبی سلین به صورت قاعده‌ای همیشگی درآمد، هر چند نه تا آن حد که در مورد چاپ و نشر نخستین رمانش به کار گرفت، رمانی که خود انتظار داشت در آن سال جایزه ادبی گنکور را برآید.

سفر به انتهای شب در ۲۰ اکتبر ۱۹۳۲ منتشر شد و نه روز بعد ژرژ آلمن نخستین نقد و مطلب تحسین آمیز را درباره‌اش در نشریه «موند» به چاپ رساند.

رمان سفر به انتهای شب هر چند حامیان معتبری در میان اعضاء هیئت داورى جایزه گنکور داشت، به دریافت این جایزه ادبی نایل نیامد و جایزه گنکور سال ۱۹۳۲ را به رمان گرگ‌ها اثر گی مازلین که ناشر آن گالیمار بود دادند. با این همه، جنجالی که در مورد اهدای جایزه به رمان گی مازلین به راه افتاد، سبب شد که رمان سفر به انتهای شب فروشی بیش از ۵۰،۰۰۰ نسخه داشته باشد و چیزی حدود ۵۰۰۰ نشریه و مجله ادبی مقاله‌هایی درباره‌اش بنویسند.

منتشر شد:

فریدریش نیچه

این است انسان ت فریبگی

رتال جامع علوم انسانی
(چگونه آن می شویم که هستیم؟)

ترجمه دکتر سعید فیروز آبادی

انتشارات جامی - خیابان دانشگاه - چهارراه وحید نظری - شماره ۱۶۲ تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳

DEATH ON THE INSTALLMENT PLAN

BY

LOUIS-FERDINAND CÉLINE

Translated from the French by

RALPH MANHEIM

A NEW DIRECTIONS BOOK

پښتونخواه پښتانه علوم او مطالعات فرېنچي
پرتال جامع علوم انساني